



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۷/۱۲/۲۸



عبدالحسب حکیم

اظهارات شاهدان عینی از کودتای خونین هفت ثور تا تجاوز بی شرمانه قشون سرخ

بخش دوم

این داستان یک جنگ ظالمانه ایست که در آن نیروهای ابر قدرت اتحاد شوروی ده سال متداوم با مقاومت مردم افغانستان رو به رو بودند. آثار این جنگ خانمانسوز هنوز هم اینجا هر روز احساس می شود. این داستان یک جنگ بیپرده ای است که چهره دنیا را تغییر داد. به خاطری که بفهمیم که چگونه بحران افغانستان به یک معطله مهم بین المللی تبدیل شد، باید به تاریخ مراجعه کنیم.



وطنداران عزیز متن فلم مستندی را که تلویزیون آرته (ARTE) به زبان آلمانی پخش نموده، اینک به زبان دری ترجمه و در خدمت شما قرار می دهم. این مستند شمه ای از جنایات شوروی ها در دهه آخر هفتاد و هشتاد بوده، در این فلم، شما پرسش ها و پاسخ های مستندی منتشر نشده آرشیف، اسناد محرمانه و اظهارات افسران سابق کی. جی. بی. سازمان سیا، قشون سرخ، و همچنین تعدادی از قومندانان جهادی افغانستان را می بینید. به خصوص قابل توجه توصیفاتی و اظهارات "میخائیل گورباچف" است که برای اولین بار از اشغال ده ساله افغانستان توسط اردوی سرخ صحبت می نماید. امید وارم که مورد پسند شما قرار گیرد! حسب حکیم. همچنان شما می توانید فلم دوبله شده از آلمانی به دری به آواز خودم را با فشار روی این لینک تماشا نمایید:

https://www.dropbox.com/s/0kzxhaw70yw3rqm/DVD_Afghanistan_1.mp4?dl=0

شارل کوگان (Charles Cogan) آمر سابق سی آی ی بخش آسیا:

«در اینجا بازیگر اصلی طرف جنگ ایالات متحده آمریکا و متحدش پاکستان وارد صحنه می شوند.

جنرال اختر رئیس استخبارات نظامی پاکستان در تابستان ۱۳۵۸ از ما خواهان حمایت شد. در آن زمان در انجام دادن یک عملیات مخفی منظوری رئیس جمهور حتمی بود. "جیمی کارتر" در بهار ۱۳۵۸ همچو یک دستور را به امضاء رساند. این دستور شامل کمک های بشری به مجاهدین بود.»

اولیویئه رووه (Oliver Roy) آگاه امور سیاسی در افغانستان:

«در این زمان نیروهای مجاهدین از پشاور به افغانستان بر می گشتند. زمان بسیار مساعد بود، مجاهدین امکانات ناچیز و تمرینات نظامی محدودی داشتند، با این امکانات شروع کردند به تأسیس جبهات، به گونه مثال در دره پنجشیر تحت سرپرستی احمدشاه مسعود.»

جنگ در تابستان ۱۳۵۸ سرتاسری شده، چه در قندهار چه در هرات و چه در پنجشیر، نیروهای مجاهدین در تمام کشور حضور دارند. در عین حال در کابل مرکز قدرت کمونیستان یک تراژیدی نو آغاز شده است.

تره کی و امین با هم رفیق و همسفر در مبارزه می باشند، دو رهبر مارکسیست که می خواستند سوسیالیزم را در مدت زمان رکارد عملی کنند. تره کی در یازدهم ۱۹۷۹ از یک سفر مسکو بر می گردد که در ابتدا توسط امین به گرمی استقبال می شود، سه روز بعد امین تره کی را توسط مأمورین استخبارات خفه کرده و به قتل می رساند.

امین بدون اینکه مسکو را در جریان بگذارد، رهبری حکومت را به دست می گیرد و در این وقت جنگ تمام کشور را فرا گرفته است. امین تصفیۀ خوفناک سیاسی را به راه می اندازد و وابستگان تره کی را زندانی و یا هم اعدام کند. از همین لحظه شوروی ها از خود می پرسند که امین در واقعیت کی است؟

میلتن بردین (Milton Bearden):

«من فکر می کنم که این یک بخشی از درامه ای بود که در مسکو بازی می شد. کی. جی. بی. یک لیستی را پیش نمود که در آن از همه فعالیت های امریکا در افغانستان ذکر شده بود، به گونه مثال که گویا امین یک اجنت امریکا بوده و امریکا پلان دارد که راکت های کوتاه برد را به افغانستان انتقال دهد. در آن زمان هیچ کسی در واشنگتن یا هم در حکومت امریکا به افغانستان علاقه خاصی نداشت.»

سویتلانا ساورانسکوا (Svetlana Savranskoya) متخصص امور امنیتی پوهنتون جورج واشنگتن:

«تا هنوز هم کوچکترین سند وجود ندارد که امین با سی. آی. ای. در ارتباط بوده باشد، ولی ما می دانیم که امین می خواست هر دو طرف را علیه همدیگر استعمال نماید، زیرا او درک کرده بود که موفقش بسیار خطرناک و نا مطمئن است.»

آیا امین جاسوس امریکا یا چین است؟ یا هم یک الکترون آزاد؟

در مسکو در مقر کی. جی. بی. در این رابطه تردید وجود دارد، جاسوسان در کابل روزمره از خرابی وضع راپور می دهند.

باز هم سویتلانا ساورانسکوا (Svetlana Savranskoya) متخصص امور امنیتی پوهنتون جورج واشنگتن:

«اندروپوف رئیس کی. جی. بی. به بریژنف از خبرهای بسیار ناآرام کننده راپور می دهد.

گزارش اندروپوف برای بریژنف اهمیت خاصی داشت، وضع با تأکید خیلی مهم و اساس نامیده شده و در گزارش آمده بود که: «ما باید فوراً به یک اقدامی دست بزنیم، قبل از اینکه امین به امریکا نزدیک شود».

نتالیا گیورکیان (Natalia Gevorkyan) ژورنالیست بخش سیاسی:

«در سال ۱۳۵۸ وضع صحی بریژنف تا حدی خراب بود که نمی توانست در مسایل سیاسی تصمیم بگیرد. حد اکثر می توانست ۱۵ دقیقه با تسلسل صحبت کند و فیصله ها و تصامیم را امضاء نماید».

بریژنف در پهلوی پست جنرال سکرتری حزب کمونیست شوروی رئیس دولت نیز بود، او بالاترین مرجع تصمیم گیری خصوصاً در سیاست خارجی شمرده می شد.

به تاریخ ۱۲ دسمبر ۱۹۷۹ اعضای مهم بیروی سیاسی در یک جلسه تصمیم می گیرند که حفیظ الله امین را که از کنترل برآمده از صحنه بردارند. در این وقت میخائیل گورباچف هنوز عضویت کامل بیروی سیاسی را نداشت، و نمی توانست که در تصامیم مهم سهیم باشد.

میخائیل گورباچف:

«بیروی سیاسی این تصمیم را نگرفته بلکه یک گروپ کوچک گارد سابق در بیروی سیاسی، بهتر است که ما از حقیقت چشم پوشی نکنیم.»

گارد سابق متشکل بود از وزیر دفاع اوستینوف، رئیس کی. جی. بی. اندروپوف و وزیر خارجه گرومیکو. این افراد به تنهایی تصمیم می گیرند که قشون سرخ را روانه این ماجرای مصیبت آور کنند.

اتحاد شوروی و ایالات متحده از ده سال به اینطرف سیاست آشتی را انتخاب نموده، بریژنف از این سیاست بسیار حمایت کرده و بیروی سیاسی این را خوب درک می کند که اندکترین مداخله در یک کشور این توازن شکننده را از بین خواهد برد.

بالاخره این سه مرد موفق می شوند، که بقیه اعضای بیروی سیاسی را متقاعد بسازند، آنها می خواهند یک کودتا را علیه امین پیریزی کنند و قطعات هم به افغانستان بفرستند که از حاکمان نو حمایت نمایند.

Председательский состав тов. Л.В. Братина
 Архивный состав: Сырцова И.А. Ширинская В.В. Рогова Л.А.
 Ковалева Т.Ф. Сырцова Е.П. Андреева М.В. Рогова А.А. Шахматов Н.А.
 Волосинский В.Н. Доцент тов. Сетеве Н.К. Юсуп

[illegible]

برخلاف معمول متن روی یک کاغذ معمولی نوشته و امضاء شده، جمله بندی این متن مبهم است.

جنرال والرئ واسترننتين مي گويد: «تمام ماه دسمبر ۱۹۷۹ را با كندك مسلمانان شوروي در نزديك قصر امين سپري نمودم، ما يونيفورم نظامي افغانستان را به تن داشتيم. كندك ما بطور رسمي جز گارد ملي بود و وظيفه ما حفاظت از امين و قصرش بود. وظيفه اصلي ما ممانعت از ورود نيروهاي ضد انقلاب به قصر بود، ما گمان مي كرديم كه مسؤليت ما ممانعت از سقوط رژيم و يك انقلاب است، در حاليكه بعداً مشخص شد كه خيبر وظيفه ما سقوط دادن اين رژيم است.

در قدم اول کوشش شد که امین مسموم شود، برای برآورده شدن این هدف یک آشپزی داخل قصر شد، البته این کدام کار مشکلی نبود، زیرا دیپلماتان و پرسونل طبی شوروی همیشه از اعتماد خاصی برخوردار بودند. ولی بعداً چیزی که پیشبینی اش نمی شد، رخ داد. در آن زمان کوکاکولا بسیار عام پسند بود، چیزی که در شوروی هنوز پیدا نمی شد، این نوشیدنی تأثیر زهر را از بین می برد. زهر در کوکاکولا حل شده بود، که امین را مسموم نماید، اما تأثیر زهر در کوکاکولا بسیار ناچیز بود.

امین از برکت کوکا کولا از این مسمومیت جان به سلامت می برد. کی. جی. بی. تصمیم می گیرد که بالای قصر حمله نظامی نماید. ساعت هفت و نیم شب عملیات ۳۳ به نام طوفان به هدف نابودی کامل امین آغاز می شود.

دگروال یاکوف سیمینیوف (Colonel Yakov Semionoy) افسر نظامی قطعات شوروی:

«جریان ۴۵ دقیقه بی این عملیات را نمی توان در چوکات کلمات بیان کرد. بمباردمان قصر یک هیولا بود. قصر توسط تانک ها و خمپاره انداز و ماشیندار زیر آتش گرفته شد. امین را در منزل اول دیدیم که در پهلوی بار روی زمین افتاده، یک مأمور حکومت افغانستان که مرا همراهی می کرد، امین را فوراً شناخت. من از مرگ امین به قرارگاه اطلاع دادم که امین مرده است و گفتم که رئیس دیگر وجود ندارد. آنها می خواستند اسنادی را پیدا کنند که ثابت کنند که امین جاسوس سی. آی. ای. بوده، ولی من به یقین می توانم بگویم که افراد مربوط گروپ من همچو مدارک را در قصر نیافتند.»

شب ششم جدی که فردایش هفتم جدی باشد ۱۰۰ هزار نیروی نظامی شوروی داخل افغانستان می شود.

در ظاهر از یک قطعه محدود صحبت می شود که به خاطر حمایت از رژیم کمونستی به افغانستان آمده اند. همزمان ببرک کارمل، زمامدار نو که توسط مسکو استخدام شده با حوصله در یکی از قرارگاه ها منتظر مأموریتش می باشد. صحبت داکتر عبدالله عبدالله: «در شب اعلانی را شنیدیم که ببرک کارمل از تجاوز قوت های شوروی به افغانستان خبر داد، شبی سختی بود، فردای آن شب همه جا عساکر روسی به نظر می رسید حتی پیشروی خانه من هم. من در آن زمان محصل بودم و درک کردم که سرنوشت ملت افغانستان تغییر خواهد کرد». هجوم شوروی به این هدف نبود که گویا قیام اسلامی را خنثی بسازد، بلکه یک رژیم معتدلی را که طرفدار شوروی بوده جانشین رژیم کمونستی که از کنترل برآمده، نماید، تا باشد این رژیم صلح را دوباره در بین مردم بیاورد. چطور گارد سابق کرملین به این فکر افتاد که با هجوم نظامی به افغانستان صلح در بین مردم افغانستان دوباره اعاده می شود؟ در حقیقت این عمل شان برعکس شد و آتش این هجوم به تمام جهان نشئت کرد.

صحبت سالنگی: «زمانی که یک کشور اسلامی مورد تجاوز قرار بگیرد این وظیفه ما است که جهاد را اعلان کنیم تا به این وسیله آزادی خود را به دست آریم، این یک حکم قرآنی و شریعت است و ملت افغانستان هم بنا بر حکم قرآن عمل کرد و دست به جهاد زد.» صحبت استاد برهان الدین ربانی: «هر کسی نمی تواند مجاهد شود، جهاد دروازه رحمت است که خداوند (ج) بروی عزیزترین بنده اش باز می کند.» دقیقاً در همین لحظه وضعیت واژگون شده و جنگ افغانستان به یک جنگ مقدس یعنی جهاد تبدیل می شود، جهادی که تمام امت اسلامی را بیدار می سازد. همزمان مردم شوروی از حوادث افغانستان هیچ کدام اطلاعی هم ندارند. روزنامه روسی "پراودا" فقط کوتاه گزارش می دهد که به اساس درخواست حکومت افغانستان نیروهای شوروی داخل افغانستان شده اند تا از تجاوز بیگانه ها دفاع کنند.

در رابطه با قتل امین در پراودا کوتاه نوشته شده بود که وی بعد از محکمه مردم اعدام شد. تا صبح هفتم جدی هیچ کسی در مسکو از تجاوز اطلاعی نداشت.

پایان بخش اول
ادامه دارد

بخش اول این مطلب مهم و تأریخی را با فشار بر لینک ذیل مطالعه کرده می توانید:

بخش اول

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Hassib_hakim_coudetaesaor_ta_tajaawoz_shorawi_۱.pdf